

سخن نخست

دستیار سردبیر: وحید عابد^۱

یکی از دغدغه‌های عصر حاضر میان متدینین و فعالان فرهنگی و مذهبی، مسأله خداناباوری و الحاد است که با رویکردها و صورت‌بندی‌های جدیدی همراه بوده و به الحاد نوین معروف شده است. از گذشته تاکنون مسأله تقابل با خداناباوری وجود داشته و در دهه‌های اخیر با گسترش شبهات مبتنی بر الحاد علم‌بنیاد، رشد چشمگیری نموده است. طبق آمارها شاید بتوان گفت یکی از عواملی که سبب افزایش افراد بی‌دین یا بدون وابستگی مذهبی در سطح جهان شده، شیوع همین شبهات بوده است.

در ایران، هرچند آمار دقیقی از تعداد افراد بی‌دین یا ملحد وجود ندارد، اما برخی گزارش‌ها حاکی از افزایش گرایش به الحاد و بی‌دینی در میان جوانان است. این روند به ویژه در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی قابل مشاهده است.

برای فهم بهتر از فضای شبهات الحادی، شناخت دسته‌بندی‌های موجود لازم به نظر می‌رسد که به شرح زیر است:

۱. مدیر گروه علمی نقد الحاد - پژوهشگاه علوم و معارف خاتم النبیین ﷺ.

۱. **الحاد علمی:** این نوع الحاد بر اساس یافته‌های علمی و تجربی است و معمولاً با ردّ ادعاهای دینی که با علم در تضاد هستند، همراه است. این نوع از الحاد با پیشرفت‌های علم نوین پدید آمده و گسترش یافته است.

۲. **الحاد فلسفی:** این نوع الحاد بر اساس استدلال‌های فلسفی و منطقی است و به دنبال رد وجود خدا یا خدایان از طریق تحلیل‌های عقلانی است. این نوع از الحاد سابقه‌ای دیرین دارد اما اکنون با توجه به مکاتب مختلف فلسفه غرب صورت‌بندی جدیدی به خود گرفته و گاه با مباحث الحاد علمی درآمیخته است.

۳. **الحاد عمومی:** این نوع الحاد شامل خداناباوری افرادی است که به دلایل مختلف، از جمله تجربیات شخصی یا اجتماعی، شبهات ناظر به مضامین متون دینی، رفتارهای متدینین و... به دین و مذهب اعتقادی ندارند. پس از شناخت دسته‌بندی‌های کلی الحاد، بعضی از عواملی که باعث افزایش آن می‌شود را مورد بررسی قرار می‌دهیم که به شرح زیر است:

۱. **پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی:** با پیشرفت علم و تکنولوژی، بسیاری از سوال‌ها و ابهام‌هایی که قبلاً توسط دین پاسخ داده می‌شدند، اکنون توسط علم توضیح داده می‌شوند.

این امر باعث شده دین را پاسخگو ندانسته، آن را به کناری وانهاده و علم را پاسخگوی همه مباحث قلمداد کنند.

۲. **افزایش دسترسی به اطلاعات:** اینترنت و رسانه‌های اجتماعی دسترسی به اطلاعات و دیدگاه‌های مختلف را آسان‌تر کرده‌اند.

این امر سبب آشنایی و گرایش افراد بیشتری با دیدگاه‌های الحادی شده.

۳. **نقش آموزش و پرورش:** در بسیاری از کشورها، سیستم‌های آموزشی به جای ترویج دین، بر آموزش علم نوین برپایه بنیان‌های معرفتی فلسفه غرب تأکید دارند.

این امر می‌تواند باعث افزایش گرایش به الحاد شود.

۴. **تجربیات شخصی و اجتماعی:** تجربیات منفی با نهادهای دینی یا مشاهده رفتارهای ناپسند از سوی افراد مذهبی به خصوص در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی می‌تواند باعث بیزاری از دین و گرایش به الحاد شود.

۵. تغییرات فرهنگی و اجتماعی: تغییرات فرهنگی و اجتماعی، مانند افزایش فردگرایی و کاهش نقش نهادهای دینی در زندگی روزمره، نیز در افزایش گرایش به الحاد مؤثر بوده است.

به نظر می‌رسد لازم است تا با این پدیده که ابعاد معرفتی، اجتماعی، فرهنگی و ... داشته و به احتمال زیاد گسترده‌تر نیز خواهد شد به درستی مواجه شد تا ضمن پاسخ به سوالات و شبهات پدید آمده به خصوص در ناحیه الحاد علم بنیاد، بسترهای گرایش به خداناباوری نوین را تا حد امکان برطرف نمود یا با موضع‌گیری صحیح تأثیر آن را کاهش داد.

به این منظور و با توجه به اهمیت این مساله از سال ۹۸ گروهی با عنوان نقد الحاد در مرکز آموزش عالی خاتم النبیین علیه السلام شکل گرفت، و تعدادی از طلاب که معمولاً در دانشگاه نیز تحصیل کرده بودند، در برنامه‌ای آموزشی در طی ۵ ترم با بخشی از الحاد نوین به خصوص الحاد علم بنیاد آشنا گردیدند.

مباحثی که در این دوره برای دانش‌پژوهان در نظر گرفته شد، شناخت برهان‌های کیهان‌شناختی و غایت شناختی استنفورد بود که طلاب با راهنمایی اساتید مجرب به مطالعه مقالات و کتاب‌های پیرامون آن پرداختند. حاصل زحمات آن‌ها به ۳ مقاله ارائه شده در همایش «عقلانیت، خداباوری و خداناباوری» تبدیل شد؛ این همایش توسط موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در زمستان سال ۱۳۹۹ برگزار گردید.

در نهمین شماره فصلنامه کلام و ادیان، ۸ مقاله در معرض خوانندگان محترم قرار می‌گیرد که ۵ مورد آن از همایش مذکور می‌باشد.

هر چند این شماره از فصلنامه به صورت تخصصی به عرصه الحاد و نقد آن پرداخته است اما این بدان معنا نیست که همه مقالات شبهه‌ای از عرصه خداناباوری را مطرح و آن را پاسخ داده باشند، بلکه عمده مقالات درصدد تعمیق در مباحث فلسفی بوده و به نقاط ویژه یا کاستی‌های برهان‌های مذکور پرداخته است.

رویکرد برخی مقالات پاسخ مستقیم به شبهات الحادی نیست بلکه با پرداختن به نقاط ضعف یا ابهام‌های موجود در براهین اثبات خدا، راه را برای پژوهشگران بعدی مساعد می‌نماید.